

معنی و مفهوم حجاب

کلمه «حجاب» هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر، استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش است.

کلمه حجاب در قرآن 2 بار اومده و معنای آن کاملا برخلاف معنایی هست که امروزه مردم نسبت به حجاب دارند در فرهنگ امروز ما حجاب را چادر و مقنعه و روسری تصور میکنند و آنهم مخصوصا برای خانمها به کار میرود. در آیه 59 سوره احزاب و همچنین در آیه 31 سوره نور در رابطه با حجاب آیاتس نازل شده است.

امالینکه بیشترروی حجاب زنان تاکید شده برای آنستکه زنان بیشتردر معرض آسیب اند و لطافت روحی و جسمی آنها نیز بیشتر از مردان است و ازطرفی بطورذاتی بیشتر از مردان میل به خودنمائی و خودآرایی دارند. بدین منظور در ابتدا واژه حجاب، فلسفه آن و ضرورت حجاب در قرآن تبیین شده است. حُجْب و حِجَاب هر دو معنای پنهان کردن و منع از داخل شدن است. آیه شریفه «وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ» شاهد بر این مدعا است.

تاریخچه حجاب

بنابر متونی که در برخی از منابع تاریخی آمده است، در بیشتر ملت ها و ادیان، حجاب در بین زنان وجود داشته است. هر چند در طول تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچگاه به طور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می شدند، یاد می کنند. دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ما قبل از تاریخ و عصر حجر نسبت می دهند، کتاب «زن در آینه تاریخ» پس از طرح

مفصل علل و عوامل تاریخی حجاب، می‌نویسد: با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار و نقوش به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می‌شود.

پوشش بانوان در گذر تاریخ، نمادی از جایگاه زن در هر فرهنگ و تمدنی است. با مطالعه تاریخ در می‌یابیم که زنان در مشرق زمین، پوششی محکم‌تر و کامل‌تر از زنان غربی داشته و دارند و همین نشانگر این است که نگاه مردمان نسبت به زن در سرزمینی چون ایران متفاوت از دیدگاه سرزمین‌های غربی به مقوله «زن» بوده است. پوشش زنان در ایران باستان نشان می‌دهد که حجاب زنان ایرانی، حتی قبل از ورود اسلام به ایران، حجابی کامل و در جهان باستان منحصر به فرد بود.

حجاب امتیازات ظاهری، زیبایی‌های جسمی، زیور و مقام را محو میکند، آنگاه ذهن متوجه ارزش‌های واقعی نظیر علم، ادب و هنر و اخلاق میشود و در تحصیل آن‌ها کوشا می‌گردد. در نتیجه استعدادها شکوفا و جامعه مسیر ترقی و پیشرفت را به سرعت طی خواهد کرد

عفاف

عفاف به معنای پارسایی و پاکدامنی و خودداری از کارهای حرام و زشت است و (عفت)، حالتی نفسانی است که بر شهوت غلبه کند. عفت بغیر از معنای ظاهری که در واقع نمود ظاهری در پوشش دارد یک معنای باطنی و محتوایی هم دارد و آنهم صیانت نفس از محرّمات است که همانطور که گفته شد ریشه در حیا دارد. و به تعبیر دیگر عفت واقعی در واقع همان صبر واقعی (در باطن) و نمود عینی و عملی (در ظاهر) است. چنانکه حضرت علی (ع) درباره حقیقت عفت می‌فرماید: "الصبر علی الشهوة عفة".

عفت بنیادی ترین عامل ایجاد امنیت اجتماعی است. بی پروایی در نگاه، بی توجهی در نوع پوشش و پرده دری در روابط، امنیت اجتماعی را به خطر می اندازد.

روح عفاف، کنترل کننده رفتار و متانت است که با حیا زیباتر می شود. خداوند در قرآن، دختران شعیب را نمادی از عفاف معرفی می کند و عفت ورزی آنان را با واژه (تَمَشِي عَلَيَّ اسْتِحْيَا) بیان می دارد.

نیروی حیا و عفاف که عنصری درونی و روحی است، تدبیری از سوی خداوند برای کنترل آنان بر استفاده درست از جمال و جذابیت خود در عرصه ی زندگی و جامعه است. حجاب و عفاف پدیده ی دینی - فرهنگی مهمی در تعالیم اسلامی و توجه به زمینه های فرهنگی - اجتماعی به عنوان بستر آن بسیار شایسته و لازم است و اشاعه و تعمیق آن نیازمند آموزشهای بنیادین و مداوم در خانواده، مدرسه، دانشگاه و اجتماع است.

علل بد حجابی در جوامع اسلامی

1- **نا آگاهی**: گروهی با اینکه مسلمان و مسلمان زاده هستند، از احکام و دستورات حجاب آگاهی درستی ندارند.

2- **ضعف اعتقادی**: افرادی اسلام شعاری دارند؛ یعنی فقط به نام، مسلمان اند و هیچ گونه پایبندی به دستورات و احکام اسلامی ندارند.

3- **برداشت غلط از آزادی**: برخی انسان را در بعد مادی خلاصه کردند و خوشبختی او را در این دانستند که از تمامی میدانهایی که برای او باز شده، کاملاً استفاده برد. در واقع، مرد به آزادی مطلق حیوانی دست یافت و زن با بی بندوباری در خدمت آزادی مرد قرار گرفت.

4- **غرب زدگی** : خوباختگی برخی در مقابل فرهنگ غربی حجاب از جمله خرافاتی است که در جوامع اسلامی راه یافت. تأثیرپذیران از غرب فکر می کنند که بدحجابی نشانه متمدن بودن و پیشرفت و حتی پیشرفت علمی است.

5- **بهره وری سودجویانه از زنان** : رشد نظام سرمایه داری توأم با رقابتهای اقتصادی، موجب شد که زن به عنوان یک وسیله تبلیغاتی در تجارت و فیلمها مطرح شود. این بهره وری در برخی فیلمهای سینمایی داخل نیز مشهود است.

6- **نقش استعمارگران** : استعمارگران غربی به خوبی متوجه شدند که زنان محجبه در پیشرفت انقلاب اسلامی نقش به سزایی داشته اند. به همین جهت با سرمایه گذاری فراوان وارد میدان شده تا از طرق مختلف، بدحجابی را در جامعه رواج دهند تا جوانان به انحراف کشیده شوند.

7- **موضع گیری در مقابل انقلاب** : عده ای که از انقلاب اسلامی ناراضی هستند و منافع خویش را از دست داده اند، برای مخالفت و کج دهنی نسبت به انقلاب از حربه بدحجابی استفاده می کنند.

8- **به دنبال شخصیت کاذب بودن** : بعضی افراد بر اثر عوامل مختلف فقر (مذهبی ، مادی و یا هر دو) بابدحجاب شدن، شخصیت کاذب خود را به رخ دیگران می کشند.

9. **همسریابی** : بعضی از دختران که به امید آینده و ازدواج هستند و ایمان ضعیفی تری دارند به فکر صید پسران می افتند، و بهترین دام برای این کار را زلفهای پریشان و لباسهای تنگ و آرایش دانستند ؛ لذا :اغلب دختران که از دوستی با پسران گرفتار مشکل و ذلت شده اند، انگیزه خود را انتظار برای ازدواج ذکر می کنند، بر عکس پسران که بیشتر به دنبال تنوع طلبی و لذت جویی هستند.

10- **وجود اقلیت‌های مذهبی** : وجود اقلیت‌های مذهبی و ظاهر شدن آنان با لباس‌های زننده و بی حجاب عامل

دیگری است برای ترویج بدحجابی؛ خصوصاً که گاهی دست‌های ناپاک خارجی نیز در بین آنان نفوذ می نماید.

11- **وجود گردشگران خارجی** : گرچه جذب توریست و گردشگران خارجی سودآور است؛ ولی از نظر دینی و

فرهنگی آثار مخرب و زیانباری بر جای می گذارند که از جمله آن بدحجابی است. در اکثر شهرها و محلاتی که

گردشگران خارجی رفت و آمد دارند، مردم آنجا از رفتار آنان متأثر شده اند و رنگ و بوی آنان را پیدا کرده اند.

کارکردهای منفی بدحجابی

الف. خانوادگی:

1- آسب پذیری خانواده: مردی که هر روز با انواع و اقسام خانم‌ها، آرایش‌ها و چهره‌ها روبرو می شود انگیزه

اش نسبت به همسرش کاهش می یابد

2- کاهش میل به تشکیل خانواده: مردی که بخش زیادی از نیاز جنسی خود را در جامعه فراهم می بیند به

تشکیل خانواده میل نمی یابد.(ازدواج هزینه دارد)

ب. اجتماعی:

1- شکل گیری روابط نامشروع (تبدیل نگاه به گناه): وقتی کشش جنسی زیاد شد، مرد و زن به نگاه متوقف

نمی شوند. تا آن مرحله پیش می رود که روابط نامشروع شکل می گیرد.(آمار فرزندان نامشروع و سقط جنین

در غرب)

2- کشیده شدن تمتعات جنسی به صحنه اجتماع: امری که مربوط به عرصه خصوصی است به عرصه عمومی

می آید(الودگی عرصه عمومی)

3- افزایش امار خشونت در جامعه :امروز در غرب ازارهای جنسی و مساله خشونت علیه زنان بیداد می

کند.همه دولت ها را بازخواست می کنند اما مساله مهم فرهنگ بدحجابی است.

4- کاهش فعالیت های مثبت جامعه :در کنار هم قرار گرفتن دختران و پسران در دانشگاه، میزان فعالیت علمی

را کم کرده .در برخی کشورهای اروپایی مساله جدایی کلاس ها ایجاد شده و نتایج خوبی بدست آورده

اند.جداسازی واگن های قطار، جدا کردن بیمارستان ها در ژاپن(زنان از یک ماه قبل نوبت می گیرند)

عوامل و راه های گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه

1- بالا بردن سطح آگاهی دختران نسبت به اسلام

2- پایین آوردن سن ازدواج

3- فعالیت های علمی ،فرهنگی و هنری

4- نظارت لازم بر رسانه های جمعی

5- آموزش حجاب در مدارس

6-شناخت الگوی الهی، حضرت فاطمه زهرا(س)

7-تشویق دختران با حجاب

8-امربه معروف و نهی از منکر

شبه شناسی حجاب

1- .مانع آزادی فردی و اجباری است

در همه جوامع محدودیت هایی وجود دارد که نام آن اجبار نیست اگر هم باشد اجبار بد نیست. یک طرفه بودن خیابان، چراغ راهنمایی و رانندگی، خرید و فروش مواد مخدر حجاب هیچ مانعی برای انجام فعالیت های بانوان نیست.

2- حجاب عامل عقب ماندگی

آیا حجاب باعث عقب ماندگی است؟ پیشرفت های کشورهای غربی معلول بی حجابی نبوده ، بلکه به خاطر تلاش ، برنامه ریزی و مدیریت خوب بوده و چه بسا اگر حجاب داشتند پیشرفته تر هم می شدند. بعلاوه همه پیشرفتهایی که در آنجا مطرح است حقیقتا پیشرفت نیست مثلا برای فروش بیشتر کالا ، از جذابیت های زنان به شکل ابزار تبلیغاتی ، سوء استفاده میکنند . همچنین به گفته محققین غربی بی حجابی در غرب آثار مخربی مانند خشونت و آزار جنسی ، اختلالات روانی ، بی علاقهگی به ازدواج و .. به بار گذاشته است . از طرف دیگر عدم پیشرفت ما نتیجه تلاش ناکافی یا برنامه ریزی غیر صحیح ماست و ربطی به پوشش ندارد.

3- بدی بعضی از باحجابها

در تمام اقشار جامعه از جمله پزشکان و نظامیان و معلمان و روحانیون تعدادی آدم بد دیده می شود، آیا می توان گفت همه پزشکان یا نظامیان یا .. افراد بدی هستند؟ در بین افراد با حجاب هم ممکن است افراد بد پیدا بشود ، اما آنچه مهم است این است که ملاک اسلام است نه مسلمانان همه در قبال کارهای خوب و بد خود مسئول اند و بازخواست خواهند شد چه با حجاب ، چه بی حجاب.

4- خدای مهربان نه خدای خشم آلود

واقعا خدا به خاطر چند تار مو ما را عذاب می کند؟ باید توجه داشت که این توجیه را می توان در مورد همه

دستورات دین به کار برد. مثلا: واقعا خدای مهربان به خاطر یک لقمه غذا در رمضان یا گفتن یک دروغ یا

دزدیدن مقداری پول یا ... ما را مجازات خواهد کرد؟

اگر این توجیه درست باشد که دیگر چیزی از دین باقی نمی ماند (این مساله در قوانین بشری هم ، جریان

دارد) به علاوه بد حجابی به جامعه آسیب می زند.

5- مردها نباید نگاه کنند نه این که حجاب واجب باشد

خوب مرد نگاه نکند چرا زن.... البته مرد هم نباید نگاه کند..... اما : تدبیر دین در کنترل مفاسد حذف زمینه

های فساد است . مثل معلمی که سوال طرح کند صفحه را بگوید و مراقب نگذارد.

حجاب مسئله ای ارزشی است

داشتن حجاب یکی از مهم ترین ارزشها در دین مبین اسلام است که به زنان اجازه می دهد با حفظ جایگاه

انسانی و بُعد روحانی خود در فعالیتهای گوناگون اجتماعی نقشی کارآمد و سازنده داشته باشند. زن بدون

حجاب نمی تواند آزادی، کرامت و آرامش خود را پاس بدارد و حضور او مفید و سازنده نخواهد بود. بنابراین،

ارزش و جایگاه اصلی حجاب را باید در جامعه جست، نه در خانه و خانواده؛ زیرا در کانون گرم خانواده، حجاب

جریانی کمرنگ دارد؛ اما هنگام حضور در اجتماع و روبه رو شدن با نامحرمان، یک زن مسلمان تأثیر بسزای

حجاب را می فهمد و به جایگاه و نقش مفید یک زن محجبه پی می برد و می تواند به رشد علمی و دینی هم

برسد.

نقش حجاب و عفاف در تامین سلامت روحی و روانی خانواده :

در جامعه انسانی، خانواده اساس و بنیان یک جامعه را تشکیل میدهد. بدون شک جامعه ای از سلامت کامل بهره مند است که خانواده به عنوان جزء کوچک آن جامعه از سلامت و استحکام کامل و کافی برخوردار باشد. پس سلامت جامعه در گرو سلامت خانواده است. برای اینکه جامعه ای سالم داشته باشیم، باید تمام نیروی خود را در جهت استحکام و تقویت پیوندهای خانوادگی بسیج کنیم. یکی از راه های استحکام بنیان خانواده رعایت حجاب و ترویج آن در جامعه است. سپس به بررسی نقش حجاب در تحکیم خانواده و سلامت اجتماع و بررسی آثار فردی حفظ حجاب و آثار مثبت اجتماعی آن توجه شده است.

تأثیر حجاب در سلامت روحی

بانوانی که از سلامت روحی و روانی برخوردارند در خود کمبودی احساس نمی کنند و در نتیجه تمایلی نیز به جلب توجه دیگران ندارند، ولی زنانی که دارای عقده حقارت هستند با نمایش زینتها و زیبایی ها و استفاده کردن از لباس های رنگارنگ و جذاب در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرم می کوشند تا احساس حقارت و کمبود خود را به نحوی مرتفع نمایند. چون همان گونه که انسان زبان دارد، لباس او نیز زبان دارد و زبان لباس خسته نمی شود. اندازه لباس گویای سن و سال پوشنده آن است و شکل آن معرف شغل و مقام و رنگش مرتبط با اخلاق و رفتار طرف و جنسش تعیین کننده احتمالی بنیه های اقتصادی فرد و پاکیزگی و چرکین بودن و مرتب و نامرتبی آن نشان دهنده شخصیت پوشاننده آن است، و بدتر از همه لباسها، لباس شهوت است که زبانی درازتر از همه لباسها دارد و تنها به معرفی نام و فامیل و ظاهر پوشنده و یک صفت غالب باطنی وی که حب مقام است اکتفا نمی کند، بلکه زبان گویای بسیاری از صفات و سجایای پوشنده آن است.

لباس شهرت یک حالت مخصوص انگشت نما دارد که نیروی اجتماع را که باید به سوی کمال و سعادت پیش رود

به سوی خود جلب می‌کند و آن را به هدر می‌دهد و چه لباس شهرتی زبانش درازتر از آن لباس زنی است که

چشم‌های بسیاری را به چشم چرانی، که مقدمه فساد و بیماری‌های روحی متعددی است، وا می‌دارد.

روانشناسان منشاء و دلیل استفاده از لباس شهرت را عقده حقارت می‌دانند و در این باره می‌گویند: «زنان و

مردانی که در تعویض لباس و انتخاب رنگ‌های متنوع مبالغه و وسواس دارند جز جبران نقیصه ذاتی کار دیگری

نمی‌کنند. افراط در پوشیدن لباس با مدل‌ها و رنگ‌های متنوع هم نظیر افراط در حرف زدن نوعی مبالغه و زیاده

روی است و زیاده روی هم شکل انحرافی از حس حقارت است».

از امام صادق (ع) نقل شده است: «کفی بالمره خزی ان یلبس ثوبا یشهره»، برای حقارت و خواری آدمی همین بس

که لباسی به تن کند که او را مشهور نماید. حاصل اینکه حجاب نشانه سلامت روحی و بی‌حجابی نشانه بیماری

روحی احساس حقارت است.

زن موجودی گرامی و معزز و نقش او سرنوشت‌سازی و تربیت بشر است. ارزش او فراتر از آن است که در معرض و

دستخوش ارتباطات و روابط بی‌مرز باشد. حفظ حریم زن باعث مصونیت او می‌شود و اولین اثر را بر آرامش روحی

او دارد؛ زیرا در سایه محفوظ ماندن این حریم بین خود و نامحرم، احساس امنیت می‌کند و هیچ کس جرأت تعرض

به او را نمی‌کند. انسان در پناه محافظ، احساس امنیت و آرامش بیشتری می‌کند و در صورت پیشامدهای

احتمالی، از مصونیت او برخوردار است. پوشش دینی نیز نهبان زن از نگاه‌های آلوده و آسیب‌های احتمالی است

که به زن مصونیت و آرامش می‌دهد و هرچه این پوشش کامل‌تر شود، درصد امنیت و حفاظت آن بالاتر می‌رود

(ر.ک؛ عظیمیان و بهشتی، 1388: 91). امیر مؤمنان علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «پوشیده و محفوظ داشتن

زن، مایهٔ آسایش بیشتر و دوام زیبایی اوست».

تأثیر حجاب در سلامت جسمی

علاوه بر تأثیر حجاب در تامین سلامت روحی و فکری، حجاب در تامین سلامت جسمانی افراد جامعه نیز نقش

دارد. با این توضیح که عدم رعایت حجاب و پوشش مناسب معمولاً باعث بوجود آمدن پیامدهای بی‌حجابی و

بدحجابی و در نتیجه به افزایش آمار تعداد مبتلایان به بیماری‌های خطرناک جنسی و جسمی، می‌گردد.

بدون تردید از جمله قوانین اسلام که جنبه پیشگیری از مفاسد ناشی از بی‌بند و باری‌های جنسی دارد قوانین

مربوط به تنظیم روابط صحیح بین محرم و نامحرم است و یکی از مهم‌ترین قوانین تنظیم رابطه صحیح بین محرم

و نامحرم قانون مربوط به حجاب و پوشش در مواجهه با نامحرم است. رعایت حجاب به معنای حبس زن در خانه و

محرومیت او از شرکت در مسائل اجتماعی نیست، بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه،

موی سر و اندام خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. مرحوم شهید مطهری در این باره می

فرمایند: «اسلام میگوید: نه حبس نه اختلاط، بلکه حریم. سنت جاری مسلمین از زمان حیات رسول خدا همین

بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمیشدند، ولی همواره اصل (حریم) رعایت شده است.

بنابراین، یکی از آثار مهم رعایت حجاب در جامعه، حفظ سلامتی و دوری از بیماری‌های مختلف جسمی است. در

کشورهایی که حجاب و پوشیدگی زنان در آنجا بیشتر است، تعداد بیماران ناشی از گسیختگی جنسی، کمتر

است. امام رضا(ع) فرموده‌اند: «هرگاه بندگان گناهان جدیدی به وجود آورند که تاکنون مرتکب آن نمی‌شدند،

خداوند هم بلاهای تازه‌ای به وجود می‌آورد که تاکنون نمی‌شناختند»

نقش حجاب در تحکیم روابط انسانی

لباس، پوشش و نحوه حجاب زنان هر جامعه علاوه بر آن که معرف شخصیت فردی ایشان محسوب می‌گردد، معرف فرهنگ، جهان بینی و ایدئولوژی حاکم بر جامعه در نگرش به نقش و جایگاه زنان نیز هست. در هر جامعه‌ای که ارزش‌های والای معنوی و انسانی بی‌اعتبار باشد و عالم درون انسان حیثیت و معنایی مستقل از نمایش‌ها و جلوه‌های بیرونی نداشته باشد، قهراً شخصیت انسان به کلی بر پایه توجه دیگران و اظهار نظر آنان درباره وی شکل می‌گیرد و بدیهی است که افراد در چنین جامعه‌ای سعی می‌کنند با هر وسیله‌ای، از جمله با نوع پوشش و لباس، برای خود نوعی تشخیص و تعیین ایجاد کنند. مد گرایی و تحولات بی‌شماری که مرتباً در تنوع لباس رخ می‌دهد برگرفته از چنین خلاء و نیاز روانی در افراد هر جامعه باشد.

تأثیر حجاب در تشکیل و تحکیم نهاد خانواده

بدون تردید تشکیل خانواده مرکز عشق و امید و تحقق آرزوهای شیرین همه دختران و پسران جوان است؛ جوانان تشکیل زندگی خانوادگی را برآورنده بسیاری از آرزوها و رویاهای خود می‌دانند، از سوی دیگر خانواده مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی جامعه انسانی است و تأثیر آن در نهادهای اجتماعی دیگر مثل نهاد آموزش و پرورش و نهاد حکومت و سیاست غیر قابل انکار است. بنابراین ثبات و استحکام نهاد اجتماعی خانواده، در استحکام و استواری نهادهای دیگر جامعه نیز مؤثر خواهد بود.

تردیدی نیست که یکی از عوامل مهم در تشکیل و استحکام خانواده رعایت حجاب است. چون اگر در جامعه حجاب کاملاً رعایت گردد جوانان به ازدواج و به تشکیل خانواده تمایل پیدا می‌کنند و خانواده‌های تشکیل شده نیز ثبات و استحکام بیشتری نیز خواهند داشت و در نهایت بیشترین فایده و نفع نصیب خود زنان خواهد شد.

زیرا با مستحکم شدن خانواده، بانوان از محبت و حمایت روحی و عاطفی همسران خود برخوردار خواهند شد. بنابراین، در پرتو رعایت حجاب اسلامی است که نهاد خانواده تشکیل می‌گردد و درخشش و بالندگی و استحکام لازم را پیدا خواهد کرد.

نقش حجاب در تربیت فرزندان:

یکی از کارکردهای حجاب، حراست از مهمترین و اساسی ترین نهاد اجتماعی یعنی نهاد خانواده است. اگر رعایت عفاف و به تبع آن حجاب، جزء معیارها و ارزشهای خانواده محسوب گردد، مسلماً رعایت این امر برای فرزندان نیز مطلوب خواهد بود. زیرا فرزندان شاخصهای عفاف و حجاب را در رفتار والدین مشاهده نموده و سعی می‌کنند با الگوگیری از آنها رفتاری مشابه با ارزشهای خانواده از خود نشان دهند. البته مهمتر از ایفای نقش والدین، نظام اعتقادی، نگرش و باور آنان به مقوله عفاف و حجاب است که فرزندان را متأثر می‌سازد. در واقع شخصیت فرزندان در نتیجه این اثرپذیری شکل اصلی و واقعی می‌گیرد، زیرا خانواده در سایه انتقال باورها و نظام ارزشی خود، برای فرزندان مشخص میکند که چه رفتارهایی پذیرفته شده و مطلوب، و چه رفتارهایی ناپسند و نامطلوب است. از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال 1376، این است که " عفاف و حجاب یک امر تربیتی خانواده است و تربیت خانوادگی در تثبیت فرهنگ عفاف و حجاب در اندیشه و روح افراد، نقش اصلی و عمده را ایفا می‌کند".

از منظر علم روانشناسی، شکل‌گیری هویت جنسی در کودکان از همان سالهای اولیه کودکی آغاز میشود. به همین دلیل کودک حتی از دوسالگی باید لباسهای مناسب جنس خودش را بپوشد. اگر دختر است لباس و ظاهر دخترانه و اگر پسر است پوشش و ظاهر پسرانه داشته باشد تا دچار اختلال در هویت جنسی نشود. در مورد

مسأله حجاب و ایجاد روحیه عفت و حیا نیز از همان سالهای اولیه کودکی باید این رفتارها با شیوه های مناسب آموزش داده شود تا در شخصیت کودک نهادینه شود و عادت های مناسب نسبت به حجاب بتدریج در شخصیت او شکل گیرد، در اینصورت در نوجوانی و جوانی تابع همان ارزشها عمل میکند و از هنجارها و ارزشهای سالم جامعه منحرف نخواهد شد.

بنابراین ضمن اذعان به نقش خطیر و جایگاه تربیتی خانواده که از مبادی تکوین جامعه است و محور انتظام اجتماعی تلقی میشود و نیز ضامن بقا و سلامت جامعه محسوب میگردد بایستی در طی مسیر تربیت، برای نهادینه شدن فرهنگ عفاف و حجاب در فرزندان، به اصل اولویت سنین کودکی و نوجوانی به منظور تخصیص فرصت و انرژی بیشتر توسط والدین و مربیان اشاره کرد.

همچنین در بحث رعایت عفاف و حجاب در جامعه، تبیین مبنایی و صحیح آن برای دختران جوان از اهمیت زیادی برخوردار است. امروزه دختران ما در محیط مدرسه، جامعه و خانواده میخواهند زیبا باشند. اما میل دیگری را نیز در خود حس می-کنند و آن اینکه می خواهند والا، پاکدامن، خویشتن دار، با غرور، متین، مستقل و ارزش گرا باشند. با در نظر گرفتن گرایش فطری دختران به تبرّج و خودنمایی، بدون شک خانواده و نهادهای آموزشی در شکل گیری هویت در دوره نوجوانی و انتقال و درونی کردن ارزشهایی همچون عفاف و پاکدامنی و در نتیجه احترام به قانون حجاب نقشی کلیدی و حساس دارند. تدارک بسترهای آموزشی و ارائه الگوهای عملی به منظور تقویت و تحکیم اعتقادات و باورهای دینی، و تلاش به منظور درونی سازی ارزش ها و احترام به قوانین و هنجارها از وظایف خطیر خانواده، نظام آموزش و پرورش، آموزش عالی و سایر نهادهای اجتماعی است. زیرا اگر ارزشهای آموخته شده درونی نشوند و با نظام هیجانی و عاطفی فرد گره نخورند و فرد آن ارزش ها را جزئی از احساس های

خود تلقی نکند، جنبه الزام آور به آنها نمیدهد. بنابراین تا زمانی که فرد چیزی را از آن خود نداند و به آن

دلبستگی درونی پیدا نکند، به انجام یا عدم انجام آن تمایلی نخواهد داشت.

آثار سو بدحجابی

الف) ایجاد اختلالات روانی:

یکی از پیامدهای سوء و ناگوار بدحجابی و ابتذال در پوشش، ایجاد اختلالات روانی در فرد می‌باشد، بعضی از زنان

بر اساس نیاز ذاتی و فطری خود برای جلب رضایت محیط به خودآرائی و جلوه‌گری پرداخته، فکر و اندیشه خود را

خواسته یا ناخواسته در بعد تمایلات و تخیلات پوچ، محدود می‌کنند. پوشش ناقص زن در جامعه فشارهای

جبران ناپذیری بر روان، اعصاب و شخصیت او وارد می‌سازد؛ چرا که او در این حالت خود را در معرض پاسخ گوئی

به تهاجم نظرها و افکار مختلف می‌بیند و از محقق ساختن شخصیت خود عاجز می‌ماند، در این صورت یا به سوی

بی تفاوتی و بی قیدی کشیده می‌شود و یا به تخیلات و اعمال نامناسب دست می‌زند، که در هر دو صورت خود و

اطرافیان را از نظر روانی، عقلانی و فرهنگی در معرض سقوط قرار می‌دهد.

استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه می‌نویسد: روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است، اشتباه است که

گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد، همان‌طور که بشر در

ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در امور جنسی نیز

چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان، و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره

هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام نشدنی است و همیشه مقرون است

با نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها که به نوبه‌ی خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های

روانی می‌گردد. چرا در دنیای غرب این همه بیماری‌های روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیررسمی انجام می‌شود.

(ب) گسترش تهمت و سو ظن

یکی از آثار بدحجابی سو ظن افراد جامعه و تهمت زدن به زنان و دختران بدحجاب است. از آن جا که افراد بدحجاب بر خلاف فرهنگ جامعه اسلامی، حجاب اسلامی را رعایت نکرده و با پوشش و ظاهر نامناسب به جامعه وارد می‌گردند، ممکن است مورد سو ظن افراد جامعه واقع شوند، افراد جامعه می‌گویند: چنین شخصی که به این راحتی احکام الهی را زیر پا نهاده و از غضب الهی نمی‌ترسد چه بسا خلاف‌های دیگری را انجام دهد. اسلام از حقوق زنان با حجاب و با ایمان دفاع می‌کند و در سوره نور می‌فرماید:

ان الذین یرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا فی الدنیا و الاخره و لهم عذاب عظیم

زنان پاکدامن و دور از هر آلودگی و با ایمان را مورد تهمت قرار ندهید و اگر کسی چنین کند در دنیا و آخرت لعنت شده و عذاب بزرگی برای آن هاست.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در ضمن گفتاری به فرزندش امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید:

واکف علیهن من ابصارهن بحجابک ایاهن فان شده الحجاب ابقی علیهن.

"از طریق حجاب و پوشش بانوان، آن‌ها را بیوشان، چرا که رعایت حجاب به طور جدی و محکم زنان را به طور سالم‌تر و پاک‌تر حفظ خواهد کرد."

روشن است که یکی از موارد حفاظت از بانوان، حفاظت از آنان در برابر سیل شایعات و تهمت‌های نارواست.

(ج) زمینه‌سازی رخدادهای مخاطره‌آمیز

بدحجابی سبب افزایش جنایت و حادثه آفرینی در جامعه می‌شود. بی‌تردید سرچشمه بسیاری از حوادث مرگبار، درگیری‌ها و نزاع‌های فردی و خانوادگی، قتل و جنایات، از بدحجابی و خودنمایی زنان آغاز می‌گردد. وقتی در کوچه و خیابان یا در مجلس مهمانی و عروسی مختلط و همنشینی زنان با مردان نگاه مردان به زنی بی‌حجاب یا بدحجاب افتاد، سر و صورت آرایش کرده زن جوان از یک سو و ادا و اطوارها و راه رفتن و سخن گفتن آن چنانی از سوی دیگر، نگاه مرد را تندتر و طولانی‌تر می‌نماید، در نتیجه همین نگاه‌های به ظاهر ساده موجب حوادث مرگبار، تصادفات، زد و خوردها و جنایات بی‌شمار می‌گردد.

در متن قرآن به زنان دربارهٔ نحوهٔ پوشش دستورهایی داده شده‌است. آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور و آیه ۵۹ سوره احزاب به مسائل مربوط به پوشش زنان می‌پردازند.

د) گسترش تهاجم ابتدال فرهنگ غربی

دشمنان قسم خورده و تاندان مسلح ما برای مواجهه با شیوع فرهنگ غنی اسلام و انقلاب برای اجرای نقشه‌های شوم خودهیچ‌گاه از پای ننشستند. درست هم‌زمان با آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ناقوس مبارزه با فرهنگ اسلامی را با محوریت تهاجم فرهنگی و گسترش ابتدال و مقابله با پدیده مقدس حجاب و عفاف آنهم بزعم خود برای تهی ساختن درون نظام و حداقل جلوگیری از شیوع فرهنگ دینی در جهان توسط غرب به صدا درآوردند. اکنون دشمنان دین و حکومت دینی با همه امکانات خود به مبارزه با فرهنگ پوشش و عفاف پرداخته‌اند تا بقول و خیال خودشان درون نظام راتهی سازند و فساد و ولنگاری را بسازند.

بلاد غرب در بلاد متمدن شرق و از همه مقدم تر ایران اسلامی بگسترانند و بزعم خود از شیوع اسلام و حجاب

و عفاف بعنوان عامل فراگیر فرهنگ دینی در سطح دنیا جلوگیری نمایند.

در این قسمت نمونه ای از گسترش تهاجم ابتذال فرهنگ غربی و مقاومت مردم غیرتمند ایران بیان می

گردد:

- توطئه کشف حجاب رضاشاه پهلوی

این فتنه بس بزرگ و برای جامعه مذهبی ما بسیار سنگین و تحمل ناپذیر و فجیع بود. تا حدی که بسیاری از زنان مومن خود را در خانه محبوس ساختند و حتی عده ای از متدینان از اندوه سخته کردند و برخی از علماء بزرگ آن زمان مثل مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، مرجع تقلید وقت، از غصه آن بیمار شدند. اما علماء بزرگی همچون آیت الله حاج آقا حسین قمی و مرحوم میرزا محمود خراسانی فرزند آخوند خراسانی (صاب کفایه) و همچنین حضرت امام خمینی (ره) ساکت نشستند و با آن به مبارزه برخاستند. اگرچه چون با سامان و مخوف بود و علماء بزرگی را رژیم دستگیر و زندانی کرد اما بیش از همه آنها، امام راحل مان از پای نشستند و علنی و مخفیانه به مبارزه ادامه داده و به روشن گری پرداختند. محمد رضا پهلوی نیز که همچون پدر، حجاب و دین گرائی زنان جامعه اسلامی ما را مانعی بزرگ بر سر راه حکومت ضد دینی خود می دید راه پدر را در مبارزه با حجاب و عفاف زنان پی گرفت اگرچه برخلاف اقدام پدر - که متوسل به زور شده بود - بر آن شدت به آرامی دروازه های کشور را به روی فرهنگ مبتذل و برهنگی غرب باز کند تا به تعبیر خود به دستور اربابان آمریکائی اش ملت را از فرق سرتانوک پافرنگی کند و بدین منظور چادر را از سر زنان ایرانی بردارد.

واقعه مسجد گوهرشاد مشهد یا قیام گوهرشاد یا قیام غیرت:

در تیر ماه سال ۱۳۱۴ هجری شمسی، از رخداد‌های مهم دوران حکومت رضا شاه پهلوی و نخست‌وزیری محمدعلی فروغی به‌شمار می‌آید. واقعه مسجد گوهرشاد تجمع مردم مشهد در مسجد گوهرشاد در اعتراض به قانون تغییر لباس که توسط نیروهای دولتی سرکوب شد. علت اصلی این تحصن اعتراض به اجباری شدن کلاه شاپو و سیاست‌های تغییر لباس، و حصر آیت الله سید حسین قمی بود. این تحصن به شدت سرکوب و بیش از ۱۶۰۰ نفر کشته و تعدادی هم زخمی شدند. پس از این واقعه روحانیان سرشناس مشهد دستگیر و تبعید شدند و به دستور رضا شاه برخی از رؤسای ادارات مشهد تغییر کردند.

ضرورت حجاب

پوشش، بر مبنای طبیعت نخستین آدمی استوار است و افزون بر آن، در دین‌ها و فرهنگ‌های مختلف اجتماعی نیز به آن بسیار توجه شده است. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، برای تأمین سعادت انسان، بر مسئله حجاب تأکید فراوان دارد و آن را در سعادت فردی و اجتماعی مؤثر می‌داند. رعایت پوشش در محیط خانه و خانواده، نقش مهمی را در شکل‌گیری باورهای فرد درباره پوشش ایفا می‌کند. مقصود از پوشش، تنها حجاب برای زن نیست، بلکه تمام اعضای خانواده باید پوشش مناسب و اسلامی داشته باشند و از این راه حرمت یکدیگر را پاس بدارند.

. پوشش و حجاب، تنها برای زنان واجب نیست، بلکه ضرورت آن برای همه اعضای خانواده احساس می‌شود. حجاب اول چشم مردان را خطاب قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

حجاب امتیازات ظاهری، زیبایی های جسمی، زیور و مقام را محو می کند، آنگاه ذهن متوجه ارزش های واقعی نظیر علم، ادب و هنر و اخلاق می شود و در تحصیل آن ها کوشا می گردد. در نتیجه استعدادها شکوفا و جامعه مسیر ترقی و پیشرفت را به سرعت طی خواهد کرد. آری از آن جهت که حجاب احیاگر ارزش های معنوی است، اسلام پوشش از بیگانه را ملاک برتری زن معرفی کرده است.

آنچه می تواند جامعه ای را از این آسیب های شوم مصون داشته و حفظ کند، ترویج فرهنگ دقیق عفاف و تبیین ابعاد مختلف آن در جامعه است. با بررسی سطحی می توان ارتباط نزدیک حجاب و عفاف، با کاهش آسیب اجتماعی را متوجه شد. رعایت حریم ها و حرمت ها، تبیین فرهنگ صیانت از حقوق افراد، فرهنگ حفظ حجاب برای زن و مرد نقش مهمی در آرامش و آسایش افراد در جامعه، محیط کار و روابط اجتماعی دارد.

زنان با حفظ حجاب خود و ترغیب آن در محیط خانواده و تربیت فرزندان خود می توانند فرهنگ ساز رعایت حریم و حرمت شخصیت خود و دختران و پسرانشان باشند.

اثبات تقدس و تجاذب های حجاب و عفاف در متون دینی سبب ساز گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در بین زن و مرد جامعه خواهد شد و سالم سازی نهادهای اجتماعی بدون توجه به حجاب و فواید آن امکان پذیر نیست. اهمیت شناسایی حجاب سرچشمه در ضرورت پردازش شخصیت معنوی را دارد و عدم وجود الگوهای مناسب برای حجاب و عفاف سبب انتخاب الگوهای نازل حجاب در جامعه می شود. اصلاح هندسه های معرفتی در باب ترویج مسئله حجاب و عفاف مستلزم ارائه فواید و آثار تربیتی آن است؛ چه اینکه فواید حجاب در حدی است که بدون آن فرد و جامعه دچار لغزش و آسیب جدی خواهند شد. آثار فردی حجاب شامل آزادی زن، سلامت جسمی، استحکام خانواده و آرامش و امنیت و آثار اجتماعی آن، شامل سلامت اخلاقی جامعه، مسئولیت اجتماعی و حفظ نیروی کار

و استقلال فرهنگی و سیاسی می‌شود. بنابراین، حجاب را باید رفتاری الهی شمرد که باعث ارتباط بین فرهنگ و

دین، عقل و ایمان، سیاست و دیانت و تکامل و اختیار در رفتار انسانی شده است.

معلم ایده آل

معلم ایده آل

وبسایت: moallemedeal.ir

مسابقه سراسری نقش حجاب در حفظ حریم خانواده

۱. مهمترین عنصر برای شخصیت زن کدام است؟

- جایگاه اجتماعی زن مدرک علمی و تحصیلات زن عفت زن خانواده زن

۲. موضوع حجاب اسلامی در سوره های و قرآن آمده است.

- بقره - نسا احزاب - بقره نور - بقره احزاب - نور

۳. کلمه حجاب به معنای چیست؟

- پوشیدن - پرده و حجاب پوشش زن پوشیدن - پرده و حاجت ستر و عفاف - حجاب

۴. انسان این حالت را دارد که هر چه بیشتر در گرداب شهوت شخصی فرو رود و عفاف، تقوا و اراده اخلاقی را از کف بدهد احساس در وجودش ناتوان می گردد.

- عاطفه غیرت حیا عفت

۵. ابن خلدون کلمه حجاب را به چه معنی به کار برده است؟

- پوشش چادر لباس پرده و حائل

۶. از نظر اسلام، مزاح و ملامت زن و شوهر، آرایش کردن زن برای شوهر چه حکمی دارد؟

- واجب شرعی است حرام است مستحب است مکروه است

۷. به معنای پارسایی و پاکدامنی و خودداری از کارهای حرام و زشت است

- عفاف غیرت تقوا هیچکدام

۸. آزادی در مسائل جنسی موجب چیست؟

- خسته شدن مردم از آنها علاقه مردم به آنها نقصان می یابد شعله ور شدن شهوت کنترل شهوت

۹. این حدیث از کدام معصوم می باشد؟
«نگاه کردن به نامحرم از روی شهوت تیری است زهرآلود از ناحیه ی شیطان چه بسازند نگاههایی که بعدها حسرت ها و تاسف های طولانی به دنبال خود آورده اند.»

- امام حسین (ع) امام صادق (ع) امام هادی (ع) پیامبر اکرم (ص)

۱۰. از نظر شهید مطهری فلسفه پوشش اسلامی چیست؟

- استحکام پیوند خانوادگی آرامش روانی ارزش و احترام زن همه موارد

۱۱. اولین ایرادی که بر پوشیدگی زن می گیرند چیست؟

- عدم شناخت عدم آگاهی عدم آزادی عدم علت معقول

۱۲. آیه جلاباب به چه موضوعی اشاره دارد؟

- امنیت خانواده امنیت زن امنیت فرزندان امنیت مرد